



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

مصادف با: ۱۸ شوال ۱۴۴۴

موضوع جزئی: بررسی قهفی - ۲. معامله رمز ارز - اشکال چهارم: عدم ملکیت - اشکال پنجم: عدم قدرت بر تسلیم

جلسه: ۴۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اشکال چهارم: عدم ملکیت

عرض شد در مورد معامله رمز ارزها اشکالات و شبهاتی مطرح شده که ما سه اشکال و شبهه را جلسه گذشته مطرح کردیم و پاسخ دادیم. شبهه و اشکال چهارم این است که رمز ارزها مملوک واقع نمی‌شوند؛ یعنی به ملکیت انسان در نمی‌آید، و چون از شرایط عوضین این است که باید ملک طلق انسان باشند، یعنی هم ملک باشند و هم طلق، لذا معامله بر رمز ارز باطل است؛ چون یکی از شرایط عوضین را ندارد.

اینکه ملک باشند، مسلم است و معنای آن روشن است؛ این در جای خودش بحث شده که چرا باید عوضین ملک باشند. به علاوه باید طلق باشند، یعنی مثلاً عین موقوفه و وقف جایی نشده باشند، یا نذر چیزی نشده باشند، یا مثلاً به وثیقه گذاشته نشده باشند (البته این محل بحث است). به هر حال این به عنوان یکی از شرایط عوضین باید موجود باشد تا معاوضه و معامله صحیح باشد. در حالی که رمز ارز این خصوصیت را ندارد؛ رمز ارز نمی‌تواند ملک انسان باشد؛ اینکه نمی‌تواند ملک باشد، ممکن است جهات مختلفی در آن تصویر شود؛ یعنی از زوایای متعدد این ادعا مطرح شود. مثلاً اینکه رمز ارز چیزی نیست جز یک مشت اعداد و ارقام یا منفعتی برای آن متصور نیست یا چون هیچ یک از اسباب ملکیت در مورد آن تحقق ندارد؛ از این قبیل مناشی برای ملک نبودن رمز ارز ممکن است ذکر شود. لذا اگر چیزی ملک نباشد، نمی‌شود آن را معامله کرد.

بررسی اشکال چهارم

این اشکال و شبهه هم مردود است؛ ما در بحث از استخراج رمز ارزها اشاره‌ای به این مسأله داشتیم. آنجا اشکالاتی نسبت به استخراج رمز ارز مطرح شد؛ آن اشکالات را جواب دادیم؛ رسیدیم به اینجا که اسباب ملکیت رمز ارز چه اموری می‌تواند باشد؟ چند راه پیشنهاد شده برای اینکه کسی به سبب استخراج، مالک رمز ارز شود. آن راهی که آنجا مورد قبول قرار گرفت، جعاله بود؛ گفتیم کسی که استخراج رمز ارز می‌کند یا به اصطلاح معدن‌کاوی می‌کند و نهایتاً موفق می‌شود مقداری رمز ارز را اکتساب کند، در قالب جعاله این کار او قابل تصحیح است. یعنی اختراع‌کنندگان این فناوری و مبدعان رمز ارزها، کأن اعلام می‌کنند هر کسی که این معما را حل کند، این مقدار رمز ارز به او داده می‌شود. بنابراین ما می‌توانیم ملکیت رمز ارزی که در اثر استخراج حاصل می‌شود را تصویر کنیم. البته نسبت به خود جعاله هم اشکالاتی مطرح بود؛ پنج اشکال مطرح کردیم و به همه آن اشکالات پاسخ دادیم.

بنابراین اگر کسی استخراج رمز ارز کند، مالک آن محسوب می‌شود. پس مستخرج، مالک رمز ارز است. اگر مستخرجین همگی بتوانند مالک رمز ارزها شوند و رمز ارزها ملک طلق آنها محسوب شود، وقتی این وارد بازار می‌شود، هر کسی که با

آن معامله می‌کند، به تبع ملکیت فروشنده مالک می‌شود. چون از این جهت مشکلی در نقل و انتقال اینها نیست؛ بلکه، ممکن است کسی بگوید نقل و انتقال اینها مشکل دارد، به خاطر غرر یا ربا، یا به خاطر اینکه نمی‌شود آن را تسلیم کرد، اشکالاتی که از نواحی دیگر ممکن است پیش بیاید، آنها را یک به یک یا بررسی کرده‌ایم یا بررسی خواهیم کرد. اما از حیث این شرط عوضین، یعنی ملک بودن، ملاحظه فرمودید هر کسی که رمز ارز دارد، آن را یا از راه استخراج بدست آورده یا از راه معامله؛ کسانی که استخراج کرده‌اند بدون تردید مالک می‌شوند و ما این را به تفصیل در گذشته مطرح کردیم. کسانی که می‌خرند یا می‌فروشند، از مستخرجین خریداری کرده‌اند یا در یک معامله‌ای با مستخرجین اینها را بدست آورده‌اند، و الا راه دیگری برای مالک شدن برای آن نمی‌توانیم تصویر کنیم. اگر مستخرجین مالک باشند و این ملک آنها محسوب شود و از این جهت مشکلی برای نقل و انتقال نباشد، پس می‌تواند این ملکیت که متعلق به مستخرج بوده، به شخص دیگر منتقل شود؛ یعنی او هم مالک می‌شود، و همینطور تا هر مقداری که دست به دست شود، این ملکیت زائل نمی‌شود. بنابراین مشکلی از این جهت به نظر نمی‌رسد و این شبهه نمی‌تواند برای معامله با رمز ارزها یا بر رمز ارزها مانعی ایجاد کند.

اشکال پنجم: عدم قدرت بر تسلیم

در هر معامله‌ای مخصوصاً بیع — حالا بقیه معاملات هم همینطور است — عوضین معامله باید قابل تسلیم باشند؛ یعنی فروشنده بتواند آن عین را یا آن منفعت را تسلیم مشتری کند. مشتری هم بتواند ثمن را تسلیم بایع کند؛ اگر چیزی مورد معامله قرار بگیرد که قابل تسلیم نباشد، معامله بر آن باطل است؛ مثلاً کسی بگوید آن پرنده‌ای که در آسمان پرواز می‌کند را به تو فروختم؛ این باطل است؛ چون قدرت بر تسلیم آن را به مشتری ندارد. یا بگوید ماهی داخل دریا را به تو فروختم؛ اینجا قدرت بر تسلیم ندارد؛ بلکه، قدرت عقلی می‌شود تصویر کرد، اما قدرت عرفی ندارد. این شرطی است که در عوضین حتماً باید موجود باشد. در مورد رمز ارز می‌گویند چنین مشکلی وجود دارد؛ می‌گویند رمز ارز مقدور التسلیم نیست و نمی‌شود آن را تسلیم کرد و به مشتری داد؛ فروشنده نمی‌تواند رمز ارز را به مشتری بدهد. برای اینکه اینها چیزی جز یک سری اعداد و رموز نیستند. این اعداد و رموز را چگونه می‌خواهد به مشتری تحویل بدهد؟ این مقدور التسلیم نیست؛ اینکه مثلاً می‌گوید من ۱۰ بیت‌کوین به تو فروختم؛ این ۱۰ بیت‌کوین را چگونه می‌خواهد تسلیم کند؟ ارزهای دیگر را مثلاً می‌گوید این مقدار درهم یا دینار یا دلار می‌فروشم به فلان مبلغ؛ این قدرت بر تسلیم آن هست. اما در مورد رمز ارز این شرط قابل تحقق نیست. اینکه در رایانه‌ها و ماینرها به عنوان اعداد و ارقام وجود دارد، این را چطور می‌خواهد تحویل مشتری بدهد؟ لذا از این جهت در صحت معامله رمز ارز شبهه کرده‌اند.

بررسی اشکال پنجم

این اشکال و شبهه هم مردود است؛ وجه آن هم روشن است. اینکه نمی‌تواند تسلیم کند، باید ببینیم تسلیم به چه معناست و در مورد هر چیزی چگونه تحقق پیدا می‌کند. تسلیم اعیان خارجی معلوم است؛ اگر کسی یک ماشین را بفروشد، باید قدرت بر تسلیم این ماشین را داشته باشد. لذا اگر ماشین خارج از مرزها باشد و او دسترسی نداشته باشد، نمی‌تواند این ماشین را بفروشد. یک وقت مشتری قدرت تسلّم دارد، می‌گوید شما این ماشین که در فلان کشور دارید را به من بفروش، من خودم آنجا آن را تسلّم می‌کنم؛ این اشکالی ندارد. اما اگر فروشنده قدرت تسلیم ندارد و مشتری هم قدرت تسلّم ندارد، این معامله صحیح نیست. پس قدرت بر تسلیم در مورد اعیان خارجی، معنایش روشن است.

معنای قدرت تسلیم در منافع هم معلوم است؛ یعنی کسی بتواند مثلاً منفعت سکنا در این خانه را تسلیم مستأجر کند. اما کسی که یک خانه‌ای دارد و ملک اوست، اما مثلاً در رهن و در اختیار یک بانک است، نمی‌تواند منفعت سکنا در این خانه را واگذار کند، نمی‌تواند تسلیم کند. مثالش مهم نیست؛ مهم این است که عین برای اوست، منفعت هم برای اوست، اما به دلایلی از اینکه این منفعت را بتواند به دیگری تسلیم کند، محروم است. این هم قطعاً اشکال دارد؛ چون باید قدرت تسلیم عین و منفعت را داشته باشد؛ یا اگر عملی را مورد اجاره قرار می‌دهد، مثلاً کسی را اجیر می‌کند که برای او کاری انجام بدهد، می‌تواند عملش را در اختیار این شخص بگذارد اما الان زندان است و در این فاصله نمی‌تواند این کار را برای او انجام دهد و قدرت بر تسلیم ندارد.

در مورد رمز ارزها هم تسلیم قابل تصویر است؛ اگر تسلیم را تصویر کنیم، قدرت بر تسلیم حاصل است. ما اول باید تصویر کنیم که اساساً تسلیم رمز ارز چگونه ممکن است تا به تبع آن، قدرت بر تسلیم معنایش معلوم شود؛ تسلیم و تحویل دادن رمز ارز به این نحو قابل تصویر است (هر چند ممکن است انحاء دیگری بتوانیم برای آن تصویر کنیم) که آن اعداد و ارقام و آن کلیدهای خاص یا عام آنها را در اختیار طرف مقابل قرار بدهد. اگر به خاطر داشته باشید عرض کردیم کسانی که رمز ارز را استخراج می‌کنند، قبل از شروع کار باید یک چیزی بنام کیف پول درست کنند. کیف در حقیقت یک جایی است و یک محفظه اعتباری است که کلید هم دارد؛ یعنی مثلاً رمز دارد، هم عمومی و هم خصوصی، که اگر توانست رمز ارز را استخراج کند، در کیف پول او قرار بگیرد. یکی از مشکلات هم این بود که کسی کلید و آن رمز گشایش کیف را گم کند، این از بین می‌رود و کسی هم به آن دسترسی پیدا نمی‌کند. وقتی این رمز ارزها درون این کیف پول وجود دارد، یعنی یک سری اعداد و ارقام که مشخص هم هست که چه مقدار است — حالا این شبهه دیگری است راجع به معلومیت که بعداً عرض خواهیم کرد — این کیف پول را به طرف مقابل تحویل می‌دهد. بله، تحویل دادن آن اینطور نیست که کیف را از جیبش در بیاورد و به دست طرف مقابل بدهد؛ تحویل دادن کیف پول رمز ارز مثل جابجایی‌هایی است که در مورد همین پول‌های معمولی انجام می‌شود. شما اگر درون یک برنامه یک مطلب و یک مسأله یا عددی را می‌خواهید برای کسی بفرستید، چگونه می‌فرستید؟ این ارسال چگونه صورت می‌گیرد؟ قبلاً باید نامه‌ای مکتوب می‌شد و اگر برای کشورهای دیگر می‌خواستید بفرستید، چند روز طول می‌کشید که این نامه را از شما بگیرند و آنجا تحویل بدهند؛ تازه آیا می‌رسید یا نه. اما الان صدها هزار کیلومتر آن طرف‌تر، یک متن بزرگ یا کتاب یا کتاب‌ها، با یک دکمه زدن ارسال می‌شود. اینجا چه چیزی ارسال می‌شود؟ وقتی اطلاعاتی از یک محلی به جایی منتقل می‌شود و ارسال می‌شود، این ارسال شدن یعنی چه؟ نظیر همین اینجا اتفاق می‌افتد؛ همانطور که پیام‌ها و اطلاعات در فضای مجازی از طریق رایانه‌ها در قالب اعداد و ارقام و رموز منتقل می‌شود، اینجا هم همینطور است. الان در بعضی از همین شبکه‌های اجتماعی ادعا می‌کنند سطح امنیتی آنها بالاست و هیچ کسی نمی‌تواند به آن نفوذ کند — حالا من با صحت و سقم آن کار ندارم — علت آن این است که هر آنچه که شما می‌گویید و می‌نویسید، به این شکل منتقل نمی‌شود؛ اینها تبدیل می‌شود به یک سری رموز. همین متنی که شما داخل واتساپ می‌فرستید، اینها تبدیل به یک سری رمزها می‌شود که یک شخصی که از بیرون نگاه می‌کند، چیزی از این رمزها سر در نمی‌آورد. اینها همه رمزگذاری می‌کنند، یا مجموع این را در یک فضای خاصی قرار می‌دهند که قابل دسترسی نیست یا تک‌تک حروف و کلمات تبدیل می‌شود به یک سری رموز و اینها انتقال پیدا می‌کند.

پس ارسال اطلاعات، پیام‌ها، اعداد و پول، این خودش بهترین مؤید و شاهد بر این است که امکان ارسال رمز ارز به طرف مقابل وجود دارد. الان پول چطور جابجا می‌شود؟ الان همین کارت به کارت کردن که صورت می‌گیرد، واقعاً اسکناس رد و بدل می‌شود؟ کسی به دیگری پول تحویل می‌دهد؟ الان تسلیم پول به چه صورت واقع می‌شود؟ جز اینکه یک سری اعداد و ارقام است؛ شما یک سری عدد می‌نویسید، از حساب شما کم می‌شود و این عدد به حساب او اضافه می‌شود. من خیلی نمی‌خواهم وارد ماهیت این کار شوم، این پول الکترونیک است یا این عملیات نمایندگی می‌کند آن پول‌هایی که در عالم واقع هست، این یک بحث دیگری است. اگر فرض بفرمایید شما یک معامله‌ای کنید و یک چیزی را به مبلغ یک میلیون تومان بخرید، تسلیم این مبلغ چگونه است؟ آیا یک میلیون تومان خاصی را داخل پاکت می‌گذارید و از اول هم معلوم است که این را بدهید به فروشنده، یا اینکه یک میلیون تومان را شما به صورت کلی به وسیله همین بستری که فراهم شده، برای طرف مقابل ارسال می‌کنید. آیا اینجا قدرت بر تسلیم نیست؟ اگر کسی در بانک ده میلیون تومان پول دارد و می‌خواهد یک میلیون تومان یا همه ده میلیون تومان را به دیگری بدهد و چیزی را بخرد، باید قدرت بر تسلیم داشته باشد. قدرت بر تسلیم در اینجا به این است که حساب او مسدود نباشد، حساب او را نبسته باشند. ممکن است کسی یک مشکلی داشته باشد و حساب او را مسدود کرده‌اند، او قدرت بر تسلیم ندارد؛ فرض این است که پول کاغذی هم ندارد. از اول گفته من این مقدار را در بانک دارم و این را برای تو می‌فرستم، در حالی که قدرت بر تسلیم آن را ندارد، به دلیل موانع و عوارضی که پیش آمده است. ممکن است اینجا کسی بگوید که یک پولی بر ذمه‌اش آمده که بپردازد ولی الان نپرداخته است؛ فرض ما این است که معامله بر آن واقع شود. مثلاً کسی می‌خواهد ارز بفروشد، اما قدرت بر تسلیم آن نداشته باشد، نتواند آن را جابجا کند، این معامله باطل است. ولی با فرض اینکه حساب او مسدود نشده باشد، قدرت بر تسلیم یعنی اینکه بتواند در این بستر، این را به دیگری منتقل کند و تحویل او بدهد. گاهی این تحویل دادن‌ها صرفاً در عالم اعتبار صورت می‌گیرد و تسلیم خارجی در کار نیست. رمز ارز هم همینطور است؛ رمز ارز مقدور التسلیم است؛ کسی که رمز ارز را می‌فروشد یا می‌خرد، بالاخره این فروشنده قدرت بر تسلیم رمز ارز را دارد، به اینکه همین کیف پول را با شیوه‌ای که گفته شد ارسال می‌کند به ضمیمه کلید آن.

بعضی ممکن است بگویند به عینه ارسال نمی‌شود بلکه وقتی عملیات مبادله صورت می‌گیرد، این کیف و محتویات آن از برنامه و حساب او پاک می‌شود و عین آن برای طرف مقابل ساخته می‌شود. اینطور نیست که خود این انتقال پیدا کند؛ این مهم نیست. مهم این است که این شخص بتواند این اندازه رمز ارز را به خریدار تحویل بدهد و قدرت بر تسلیم آن را داشته باشد. حالا چگونگی تسلیم مهم نیست؛ اینکه مثل پیام‌ها به عینه در فضای مجازی انتقال پیدا می‌کند و ارسال می‌شود، یا اینکه با همین مکانیزمی که گفتم، در حساب کاربری این شخص منهدم می‌شود اما خود برنامه این قابلیت را دارد که مانند این حساب را برای آن شخص ایجاد کند؛ این ظرفیت و این امکان هست.

فتحصّل مما ذکرنا کله که رمز ارز قابلیت تسلیم دارد، مقدور التسلیم هست و می‌توان آن را تسلیم کرد.

سؤال:

استاد: این اعداد به نام او در بانک ثبت شده است. ... این یک اشکال دیگر است؛ یکی از اشکالاتی که نسبت به استخراج رمز ارزها مطرح بود که اصلاً این کار اشکال دارد و مشروع نیست، چون معتبر اینها معلوم نیست چه کسی است؛ معلوم نیست آیا

شخصی این را اعتبار کرده یا نهادهای این را اعتبار کرده، چند اشکال را مطرح کردیم. ما اولاً آنجا پاسخ دادیم که مسلماً اعتبارکننده هست، سازمان‌ها و نهادهایی هستند که آن را اعتبار می‌کنند. این اعتبار هم حداقل از ناحیه جمعی از عقلا پذیرفته شده و همین کافی است. این کافی است برای اینکه این قابل نقل و انتقال باشد. بله، آن بانک کاری نکرده؛ این پول ملی و رسمی یک کشور است؛ این شخص این پول را در بانک گذاشته، بانک چیزی به او نداده است. بانک یک بستری فراهم کرده که او بتواند پولش را اینطور جابجا می‌کند. بانک که به او پول نداده، بلکه یک بستری فراهم کرده و می‌گوید اگر پولت را اینجا بگذاری، من تضمین می‌کنم که آن را حفظ کنم و حتی با سود به تو بعداً بدهم. بله، مسأله تضمین یک مشکل دیگری است؛ یکی از اشکالاتی که در مورد رمز ارز مطرح شد، مسأله تضمین بود؛ عدم وجود معتبر یک اشکال بود، عدم تضمین یک اشکال دیگر بود. ما هر دو را در بحث استخراج جواب دادیم. بنابراین از این جهت مشکلی به نظر نمی‌رسد.

دو سه اشکال مهم باقی مانده که باید آنها را در مورد رمز ارزها جواب دهیم. شبهه‌ای که مهم است، شبهه غرر است که معامله بر رمز ارز، یک معامله غرری است و معامله غرری هم باطل است. البته شبهه غرر گاهی ناشی از عدم قدرت بر تسلیم است. از جمله شبهه‌هایی که در مورد رمز ارز مطرح است، شبهه ربا است. اینها را باید جواب دهیم و برخی دیگر از شبهات.

«والحمد لله رب العالمین»